

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ جون ۲۰۱۹

## کنفرانس "ابوحنیفه" و اهداف پشت پرده آن!!

جمعه- ۳۱ جوزا ۱۳۹۸ - کابل: در دو روز گذشته باز هم کابل محل برگزاری یک کنفرانس بزرگ با شرکت رسماً ۱۱۰۰ تن از اسلام شناسان معروف جهان اسلام به ویژه حنفی مذهب ها بود. هرگاه از صحبت های ریاکارانه و دروغین افرادی از قماش "سرور دانش" معاون دوم "غنی احمدزی" و چند تن دیگر که در مدح "ابوحنیفه" ۹ کرسی فلک را زیر پایش گذاشتند بگذریم، انگیزه تدویر چنین کنفرانسی، جریان آن و نتایج احتمالی آن، از مسایلی اند که موضوع یادداشت امروزم را می سازد:

۱- با آن که در یک خانواده حنفی مذهب متولد و بزرگ شده ام، صادقانه بنویسم چه بسا به مانند اکثر جوانان حنفی مذهب افغانستان، شناخت من از "فقه حنفی" زمانی شکل کتابی یافت که در پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" به همت همکار عزیز پورتال آقای "درویش وردک" در دو زبان رسمی کشور یعنی دری و پشتو، کتابی در آن مورد را با دقت مطالعه نمودم.

۲- به نظر من انگیزه چنین کنفرانس بزرگی، بیشتر از آن که خدمت به مذهب حنفی باشد، دو نکته دیگری می باشد. هدف نخستین فعالیت تبلیغاتی به نفع تیم "غنی احمدزی" و "عبدالله عبدالمود" است. آنها می خواهند با چنین برگزاری هائی، تعلق خودشان را به مذهب حنفی نشان داده، رأی جمع نمایند. یعنی حرکتی است فریبکارانه و در حدی بی نتیجه؛ زیرا از یک جانب مردم فهمید اند که با چنگ انداختن به یک تفکر و کتاب ۱۴۰۰ سال قبل، نمی توانند مشکلات امروز شان را حل نمایند و در ثانی، باز هم مردم متوجه شده اند که افرادی از قماش "غنی احمدزی" و دار و دسته اش که در عقب چنین مردم فریبی هائی قرار دارند، عدم اعتقاد شان به مذهب در حدیست که حنا آداب و ترتب نماز را نمی دانند تا چه رسد به اعتقاد مبتنی بر بینش نسبت به آن داشتن.

دومین هدف، تلاش است که از جانب اخوان بین المللی که اینک قطر آن را تمویل می نماید و زیر نظر ترکیه، ایران و قطر پیش برده می شود، علیه وهابیت و سلفی گری صورت می گیرد و چون اکثریت جهان تسنن پیرو مذهب حنفی اند، آنها می خواهند با احیای مذهب حنفی و استفاده از نفوذ بی رقیب آن بین توده های اهل تسنن، علیه وهابیت مبارزه نمایند.

۳- در جریان کنفرانس که عمدتاً سخنرانان داخلی و خارجی ۹ کرسی فلک را زیر "امام حنیفه" گذاشتند و وی را ناجی جهان اسلام به خصوص تسنن در تمام ابعاد تذکر دادند، بحث هائی که صورت گرفت، بیشتر آرزوهای سخنرانان بود تا واقعیت شناخت از "امام ابوحنیفه" و "فقه حنفی".

جالب ترین نکته امتناع جمعی از آن ملاها و اسلام شناسان از ایستادن حین پخش به اصطلاح "سرود ملی افغانستان" بود. این که کسی بیاید و این سرود را خواسته و ساخته استعمار آنها در یک کشور اشغال شده بداند و از ایستادن مقابلش ابا بورزد، به نظر من امریست درست و قابل تأیید. یعنی اگر من نوعی هم در آن مجلس شرکت می داشتم که خوشبختانه نداشتم، حاضر نبودم برای سرود ساخت استعمار ارزشی قایل شده حین پخش آن به پایستاده شده به آن حرمت قایل شوم، مگر حرکتی را که جمعی از ملاها و اسلام شناسها انجام دادند و حین شنیدن به اصطلاح "سرود ملی" ایستاده نشدند، عمق تحجر فکری خود آنها و ضدیت شان را به موسیقی آشکار ساخت. چنانچه خود نیز گفتند که در مذهب حنفی، شنیدن و حرمت قایل شدن به موسیقی حرام است.

۴- مهمترین پیشنهادی که در جریان کنفرانس آنها از طرف "سیاف" که خودش نخستین "اسلام شناس" افغان است که از مذهب حنفی خارج شده و به وهابیت گرویده است، ارائه گردید، تغییر نام شهر "چاریکار" به شهر "امام ابوحنیفه" و ایجاد یک مرکزیت مذهب حنفی در آن شهر می باشد. این پیشنهاد که ممکن است از جانب "غنی احمدزی" نیز پذیرفته شود، مبین چند نکته است:

الف- "سیاف" می خواهد با این نامگذاری و به وسیله پول کشور های امپریالیستی و چوبک دست آنها قطر، یک مرکز جدید مذهبی در افغانستان به وجود بیاورد تا از آنجا خود از موضع "شیخ الحدیث" فتوای امریکائی صادر نموده، اسلام شناسان و مردم عادی جهان اهل تسنن را در قربانگاه امپریالیسم امریکا قربانی نماید.

ب- با ایجاد چنین مرکزیتی، تعصبات مذهبی بین اسلام شناسان فرق مختلف مذهبی را بین مردم برده، با به وجود آوردن جنگهای مذهبی، برنامه تجزیه افغانستان را برای بادرانش مساعد بسازد.

پ- این که اجداد و پدر "ابوحنیفه" از چاریکار بوده اند، به هیچ صورت بدان معنا نیست که خود وی کوچکترین علاقه ای به زادگاهش داشته است. "ابوحنیفه" خوب و یا بد هیچ تعلق به افغانستان و چاریکار ندارد، نه یک روز در آنجا سپری نموده، نه در غم و شادی مردم سهمیم بوده و نه هم به فرزند چاریکار "الف-ب" را یاد داده است، تا نام شهر به اسم وی تغییر یابد.

۵- برگزار کنندگان این جلسه بزرگ بیش از هزار نفری و هزینه مصارف آنها، سوالیست که می باید برگزار کنندگانش به آن پاسخ دهند. حتماً اگر دولت دست نشانده نیز ادعای تمویل آن را نماید باید مورد پرسش قرار گیرد که وقتی معاش معلمان و حتماً عساکر خودش را داده نمی تواند، چرا چنین ولخرجی بزرگی را نموده است. هموطنان گرامی!

در عقب تمام این مذهب نمائی ها و تکریم افرادی از سنخ "ابوحنیفه" کسانی قرار دارند که نه افغانستان برایشان اهمیت دارد و نه هم رفاه مردم. ما نباید تماشاچی بمانیم و نگاه کنیم که دولت دست نشانده و ایادی آن چگونه، تضاد و گره کور جدیدی بر گره های قبلی می افزایند می باید به میدان آئیم و جلو فریبکاری ها و ریاکاری های تباهن داما "موساد" را بگیریم!

**سرکها ما را می طلبد!!**